سرآغاز

چرا مهمانتان شده‌ایم؟

محمدصادق عبداللهی

دلیل ما به خدا حضرت خداوند است/مراد ما همه از خدمت خداوند است
به هر چه می‌نگرم عین نعمت الله است/ببین که نعمت ما نعمت خداوند است

خدا را شاکریم که در اولین روزهای بهار که اتفاقاً با ابتدای هفته نیز مقارن شده اســت، با برگی نو تحت عنوان «گام دوم انقلاب» مهمان چشمانتان شــده‌ایم. این صفحه همان‌گونه که از نامش پیداســت در پی بیانیه رهبر معظم انقلاب خلق شده است و نیت بر آن دارد تا با تبیین و بررسی الزامات و چگونگی اجرایی شدن بیانیه مذکور در حد توان خود به اسلام و ایران که هر دو از نعمات الهی هستند، خدمت کند.

باور ما این است که انقلاب اسلامی حرفی تازه در عصر به محاق رفتن دین و معنویت بود و بیانیه گام دوم انقلاب «تازه‌تر از تازه»ای است که آمده تا در مردمی‌ترین و بزرگ‌ترین انقلاب عصر جدید روحی تازه بدمد. از همین جهت «گام دوم انقلاب» را نیازمند حرف‌های نو می‌دانیم و تصورمان این است که بیانیه فوق‌الذکر بهترین بستر گفتمانی برای بیان صدها و بلکه هزاران حرف در سینه مانده اســت که مجالی نیافتند در هجوم سیاســت‌زدگی و تکرار مکررات بر زبان‌ها جاری شوند و به گوش‌های شنوا برسند.

از همین رو رویکردی که در این چهار دیواری مکتوب اخذ شــده است، نه یک رویکرد تبلیغی بلکه نگاهی تبیینی خواهد بود. دلخواه ما نیســت که در دام فرمالیســت بیفتیم و در هر نوبت سطر سطر صفحه را پر کنیم از کلماتی تبلیغاتی که صرفاً با ستایش بیانیه همان حرف‌های همیشگی را تکرار می‌کنند، چراکه «طاعت ز سر جهل به جز وسوسه نیست». اگر بتوانیم از این دام بگریزیم، تمام هم و غم معطوف به آن است به موضوعاتی پرداخته شــود که ضمن تبیین آنچه رهبر انقلاب فرمودند، ابعاد و نقاط مبهم یا اختلافی دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی را روشن سازد.

البته ناگفته نماند گاه در گذرگاه برداشــتن چنین ســنگ بزرگی چاره‌ای نیست جز توسل به گفته‌ها و شنیده‌های گذشته. ما خود را بی‌نیاز از اتصال به تجربیات گذشته و زحمات کشیده شده نمی‌دانیم و لگد به زیر هر آنچه هست نمی‌زنیم، بلکه نیت کرده‌ایم از همان حرف‌های گذشته نیز توشه راهی برای گام دوم انقلاب مهیا سازیم.

در اولین شماره از این سلسله صفحات از باب مقدمه به کلیاتی از بیانیه «گام دوم انقلاب» اشاره شده است و ان‌شاءالله در شمارگان بعدی با توجه به آنکه متن بیانیه را می‌توان به ســه بخش «ماهیت انقلاب اسلامی و تمایزات آن با سایر انقلاب‌ها، روایت ۴۰ سال گذشته و دورنمای آینده» تقسیم کرد، به بحث و بررسی ابعاد مختلف این سه بخش بپردازیم. البته قدم گذاشتن در این راه نیازمند یاری همه نخبگان و شایســتگان خوشفکر و دلسوز ایران و اسلام است. از این رو با همین قلم از همه اساتید دانشگاه و جوانان، فارغ از هرگونه جناحی و تنها به نیت خدمت به ایران اسلامی، تقاضا می‌کنم ما را با فکر، ذهن، قلم و دعای خیر خود همراهی کنند.

بیانیه گام دوم انقلاب بستر تکمیل و تتمیم نظام اسلامی

مقدمه

رهبر انقلاب پس از گذشت ۴۰ سال از انقلاب اسلامی و در سن بلوغ فکری این نهضت با مهندســی فرمایشات خود نقشــی راهبردی از آینده نهضت اســلامی ارائه دادند که هدف آن ایجاد تمدن نوین اسلامی از گذرگاه ایران بزرگ اســلامی و بار اصلی آن بر دوش جوانان و نخبگان اســت.

«گام دوم انقلاب» کمتر از دو ماه است که به دنبال بیانیه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله) به دایــره واژگان گفتمان انقلاب اسلامی افزوده شده اســت. ارزش این بیانیه به پاراگراف‌های آن نیست، چراکه در آن نمی‌توان چیزی بیشتر از آنچه رهبری معظم بارها و بارها بیان نموده‌اند یافــت. پاراگراف‌ها و کلمات همه همان‌هاست که قبلاً از ایشان در موارد مختلف شنیده‌ایم. ارزش و اهمیت این بیانیه نشستن بیانات سابق در کنار یکدیگر آن هم با مهندسی شخص ایشان است. این بار فرمایشات سابق چنان ماهرانه و هدفمند در هم تنیده شده و چفت به چفت هم نشسته‌اند که سندی بی‌بدیل برای فردای ایران بزرگ اسلامی مهیا شده است؛ سندی که هر چه زمان بگذرد و بیشتر بر آن تأمل شود، خوش رنگ و لعاب‌تر و قیمتی‌تر خواهد شد.

بهترین بستر تکمیل و تتمیم نظام اسلامی

بنا به گفته مقام معظم رهبری (۱۳۹۰/۶/۱۷) نهضت اسلامی و نظامی که در پی آن آمده دائم نیازمند ایجاد تحول، تکمیل و تتمیم است. نظام‌سازی یک امر دفعی و یکباره نیست که آن را ایجاد و رها کنیم، بلکه نظام‌سازی یک امر جاری است و روزبه‌روز باید تکمیل و تتمیم شود. اگر از این نظر به بیانیه گام دوم انقلاب بنگریم، این بیانیه بهترین بستر برای تحول، تکمیل و تتمیم مردمی‌ترین و بزرگ‌ترین انقلاب عصر جدید است و می‌توان بر اساس معیارها، شعارها، ابعاد و بالاتر از همه منطق مستتر در آن انقلاب اسلامی را مورد ارزیابی قرار داد و برای آینده آن طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی کرد. اما گام اول برای بهره‌مندی از این بیانیه فهم نقش و نگار کلان این سند و منطق آن است.

منطق آرمان‌گرایی در عین نگاه به واقعیت‌ها

بیانیــه گام دوم انقــلاب را می‌تــوان بهترین مصــداق منطق آرمان‌گرایی در عین نگاه به واقعیت‌ها دانست. مقام معظم رهبری در این بیانیه ضمن آسیب‌شناسی حال و گذشته، صراحتاً اعلام می‌دارد جمهوری اسلامی از تصحیح خطاهای خود گریزان نیست اما در عین حال به گذشته طی شده افتخار می‌کند و از تجربیات دیروز برای حــال و آینده بهره می‌برد. معظم‌له راه رســیدن به آرمان‌ها را در کنار واقعیت‌های موجود ترسیم می‌کند و با نگاهی که حکایت از اشراف ایشان به شرایط کشور دارد، قله‌ها را بار دیگر نشان می‌دهد و با امیدواری که در تک‌تک کلمات مشهود است، به آینده نهضت نور می‌تاباند و این دقیقاً همان منطق راهگشای آینده اســت که باید سرمشق همه کنشــگران انقلاب اسلامی باشد. توضیحات بیشتر این منطق را می‌توان در دیدار دانشجویی سال ۱۳۹۲ مشاهده کرد. در این دیدار رهبر انقلاب در پاسخ به سؤال یکی از دانشجویان درباره نسبت آرمان‌گرایی و واقع‌بینی می‌فرمایند: «ما آرمانگرایی را صددرصد تأیید می‌کنیم، دیدن واقعیت‌ها را هم صددرصد تأیید می‌کنیــم. آرمان‌گرایی بدون ملاحظه واقعیت‌ها به خیال‌پردازی و توهم خواهد انجامید. وقتی شما دنبال یک مقصود و یک آرمان حرکت می‌کنید، واقعیت‌های اطراف خودتان را باید بسنجید و طبق آن واقعیت‌ها برنامه‌ریزی کنید. بدون دیدن واقعیت‌های جامعه تصور آرمان‌ها خیلی تصور درست و صحیحی نخواهد بود، چه برسد به دستیابی به آرمان‌ها. اگر بخواهیم مثال بزنیم باید بگوییم آرمان‌ها مثل قله‌اند. کسانی که اهل گردش در کوهستان و رفتن به سمت قله‌ها هستند قله را درست تصور می‌کنند. رسیدن به قله، یک آرمان است؛ آرمان‌ها را به این تشبیه کنید. انسان دوست دارد به آن قله برسد. وقتی شما این پایین هستید، دوست دارید بروید و برسید به آن نقطه اوج و ستیغ این بلندی و ارتفاع، منتها واقعیتی وجود دارد. اگر بی‌توجه به این واقعیت بخواهید این کار را بکنید، نیروی خودتان را هدر می‌دهید.» با توجه به این منطق ضروری است برای برداشتن گام دوم انقلاب، ابتدا هدف را به خوبی فهم و مسیر حرکت به سوی آن را با توجه به واقعیت‌ها ترسیم کرد.

> نهضت اسلامی و نظامی که در پی آن آمده دائم نیازمند ایجاد تحول، تکمیل و تتمیم اســت. اگر از این نظــر به بیانیــه گام دوم انقلاب بنگریم، این بیانیه بهترین بســتر برای تحول، تکمیل و تتمیم مردمی‌ترین و بزرگ‌تریــن انقلاب عصر جدید اســت

قله‌های گام دوم انقلاب

آنچنان که از سطور ابتدایی بیانیه فهم می‌شود، گام دوم انقلاب در واقع نام دیگری برای گام دوم خودســازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است که هدف نهایی آن «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشــید ولایت عظمی (ارواحنافداه)» است. معظم‌له پیش از این نیز ایجاد «تمدن نوین اسلامی» را به عنوان گام نهایی فرآیند انقلاب اسلامی تعریف کرده بودند. ایشان مرحله اول این فرآیند را «شکل‌گیری انقلاب اسلامی»، مرحله دوم را تشکیل «نظام اسلامی»، مرحله سوم را تشکیل «دولت اسلامی»، مرحله چهارم را تشکیل «جامعه اسلامی» و گام نهایی را تحقق «تمدن نوین اســلامی» دانسته بودند. از بیانیه گام دوم انقلاب مشخص است که «تمدن نوین اسلامی» از گذرگاه «ایران بزرگ اسلامی» محقق خواهد شد و اینچنین ایرانی بنا بر فرمایشــات مقام معظم رهبــری در ۱۳۹۵/۷/۲۸ شامل ۹ شاخصه کلان است. معظم‌له این شاخص‌ها را بدین نحو برمی‌شمارند: «یک هدف بزرگی در اینجا وجود دارد.... آن هدف عبارت است از تبدیل کشور ایران به کشوری پیشرفته، قدرتمند، شریف - شــریف در مقابل لئیم و پلید که بعضی از کشورها و بعضی از قدرت‌ها هســتند- صاحب حرف نو در مسائل بشری و در مسائل بین‌المللی... و دارای عزت و دارای احساس عزت... و سرشــار از معنویت و ایمان... و برافرازنده پرچم تمدن نوین اسلامی. ما چنین کشوری می‌خواهیم؛ هدف این است. ببینید من ۹ شاخص خواندم. ما می‌خواهیم کشور را تبدیل کنیم به چنین کشوری با این خصوصیات.»

کنشگران اصلی

از تأکیدات بسیار بیانیه مذکور بر جوانان برمی‌آید که عمده بار «گام دوم انقلاب» بر دوش جوانان است و آنها هستند که باید شانه زیر بار مسئولیت در میدان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین، اخلاق، معنویت و عدالت دهند و انقلاب را به آرمان‌های خود نزدیک کنند. از همین رو درک و فهم آنچه در این بیانیه از جوانان خواسته شده و سپس تأمل بر آنهــا و تلاش برای طراحی راهبــرد، رویکرد و تکنیک برای تک‌تک وظایف بسیار مهم اســت. از سوی دیگر در طول این بیانیه چهره‌ای از «جوان تــراز گام دوم انقلاب» به تصویر کشیده شده است که شناخت این چهره و کوشش برای دست یافتن به ویژگی‌ها و خصایص آن برای پیمودن گام دوم الزامی به نظر می‌رسد. به همین جهت در ذیل، بر اساس بیانیه مذکور به صورت تیتروار به وظایف و ویژگی‌های «جوان تراز گام دوم انقلاب» اشاره شده است.

وظایف مــورد انتظار رهبــری از جوانــان در گام دوم انقلاب

براساس بیانیه منتشر شده، وظایفی را که رهبر انقلاب بر عهده جوانان گذاشته‌اند، می‌توان به صورت زیر برشمرد البته قطعاً این موارد فقط بر عهده جوانان نیست و همه کنشگران انقلاب اسلامی در همه ســطوح باید برای تحقق آنها تلاش کنند، اما مطابق آنچه رهبری فرمودند چشم امید برای تحقق این موارد خصوصاً به جوانان است:

۱- راندن ترس و ناامیدی و پرورش نهال امید به آینده در خود و دیگران (نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد)
۲- جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ به مثابه الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی
۳- نزدیک کردن انقلاب به آرمان بزرگ تمدن نوین اسلامی و طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنافداه)
۴- صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن
۵- تسلیم‌ناپذیری و جلوگیری از سلطه دوباره قلدران جهانی بر کشور
۶- تلاش برای کاهش فاصله بین بایدها و واقعیت‌ها
۷- تلاش برای بســط و اســتقرار عدالت علوی در کشور، رفع محرومیت‌ها و برطرف کردن شکاف‌های عمیق طبقاتی
۸- شناخت صحیح گذشته و درس گرفتن از تجربه‌ها
۹- بهره‌برداری از دستاوردهای ۴۰ ساله و شناسایی ظرفیت‌های مغفول و استفاده نشده طبیعی و انسانی (اعم از مادی و معنوی)
۱۰- ایجاد جهش در پیشرفت‌های مادی و معنوی کشور
۱۱- شکستن محاصره تبلیغاتی دشمن
۱۲- جهاد علمی با احساس مســئولیت بیشتر نسبت به گام اول انقلاب
۱۳- تلاش برای بسط اخلاق و معنویت در کشور با فعالیت در نهادهای اجتماعی
۱۴- پیگیری سیاست‌های اقتصاد مقاومتی
۱۵- فهم و تبیین این منطق که راه‌حل همه مشکلات کشور در داخل کشور است.
۱۶- جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه برای مقابله با ترویج سبک زندگی غربی در ایران.

ویژگی‌های جوان تراز گام دوم انقلاب

مطابق بیانیه رهبــر انقلاب، ویژگی‌های «جــوان تراز گام دوم انقلاب» که آماده بر عهده گرفتن مسئولیت و حرکت در مسیر دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است، به شرح زیر است:

۱- مؤمن و انقلابــی ۲- دانــا و کاردان ۳- پرانگیزه و پرتلاش ۴- مسئولیت‌پذیر ۵- آماده عمل و تلاش جهادی ۶- داوطلب و فداکار ۷- دارای گردن برافراشته در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر ۸- دارای همت، هشیاری، سرعت عمل و ابتکار ۹- دارای نگاه و روحیه انقلابی ۱۰- در میدان و پای کار ۱۱- محقق و اندیشــمند ۱۲- اشــتغال به آفرینش‌های علمی، فرهنگی، صنعتی و... ۱۳- امیدوار و خوشبین به آینده.

به گام دوم انقلاب خیانت نکنیم

موارد ذکر شده در فوق هر کدام نیازمند تأملات جدی و طراحی راهبرد برای عملیاتی شدن است. در این مسیر تبیین هر کدام از آنها و تعیین چارچوب‌ها بر اساس بیانات امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری(حفظه‌الله) بسیار مهم است، چراکه راهبردهای طراحی شــده در صورتی به موفقیت خواهند رسید که دقیقاً برگرفته از چارچوب فکری و اندیشه‌ای امامین انقلاب باشند و این امری است که ان‌شاءالله در شمارگان آینده این صفحه و با کمک نخبگان دلسوز ایران و اسلام انجام خواهد شد که اگر انجام نشود و در همین سطح رها گردد دچار سطحی‌اندیشی و ساده انگاری شده و نه تنها گامی برای اعتلای انقلاب برنخواهیم داشت بلکه بدان خیانت خواهیم کرد.

یادداشت میلاد دخانچی درباره بیانیه رهبر معظم انقلاب

اقتضائات دولت مدرن را در گام دوم باید جدی گرفت

نگاه

میلاد دخانچی در کانال تلگرامی خود ضمن تأیید و تأکید بر بیانیه رهبر معظم انقلاب به ذکر چند نکته پیشنهادی- انتقادی پیرامون گام دوم اشاره کرده است. وی معتقد است در بیانیه گام دوم دعوت جدی از علوم انسانی برای حل مشکلات به عمل نیامده و از آنجا که متن تقریباً عاری از مباحث فقهی- کلامی است، در سیاق دولت مدرن نگاشته شده است و این یعنی اقتضائات دولت مدرن را باید جدی گرفت. متن کامل یادداشت او در ادامه از نظر می‌گذرد.

۱) متن آنجا که به حوزه استقلال و عزت ملی مربوط می‌شود، هم بسط موضعی خوبی دارد و هم ذکر مثال و اشاره به موفقیت‌ها و دستاوردها و آنجا که به حوزه آزادی، عدالت و کارآمدی مربوط می‌شود شکل انتزاعی و مفهومی به خود می‌گیرد و این حکایت از این دارد که در گام دوم باید در عین حفظ و بســط داشته‌ها در حوزه استقلال، تمرکز را بر آزادی، عدالت و کارآمدی بگذاریم. من گام دوم را گام عدالت/آزادی/کارآمدی می‌فهمم.

۲) متن تقریباً عاری از مباحث فقهی- کلامی است و در سیاق دولت مدرن نگاشته شده است و این یعنی اقتضائات دولت مدرن را باید جدی گرفت.

۳) متن به اهمیت «انعطاف و [آمادگی برای] تصحیح خطاهای خویش» اشاره می‌کند اما کلید مشــخصی برای کشف یا آسیب‌شناســی خطاها در اختیار ما نمی‌گذارد. ما باید بیشتر حرف بزنیم که دقیقاً کجاها اشتباه کردیم و چرا اشتباه کردیم و فرآیند جبران اشتباه‌ها کدامند.

۴) متن بر این موضع اســت که «حکومت‌ها نمی‌توانند [اخلاق و معنویت] را با قدرت قاهره ایجاد کنند» بلکه می‌توانند با شکل‌گیری شاخص‌های مطلوب اخلاق و معنویت «همراهی» کنند. این گزاره در عین سادگی نقدی است جدی به فهم کلاسیک از مفهوم حکومت دینی که در دهه ۵۰ شکل گرفته است. عبور از قدرت قاهره برای بسط اخلاق و معنویت و ایجاد و تعریف کارکردی به نام «همراهی» برای استیت یک شیف پارادایمی رادیکال در حوزه نظریه‌پردازی رابطه دین و سیاست محسوب می‌شود. نظریه‌پردازان این شیف را جدی بگیرند.

۵) متن از کارکرد عدالت در کشور ابراز نارضایتی و عملکرد اقتصاد را ضعیف توصیف می‌کند و از مردمی شدن اقتصاد و تصدی نکردن دولت حمایت می‌کند و در عین حال از اهمیت گوش سپردن به تجربه دیگران صحبت به میان می‌آورد، اما شأن معناداری برای حوزه دانش قائل نمی‌شود. متن هر جا که به مقوله علم و دانش و پژوهش اشاره‌ای می‌کند، به حوزه ســخت افزاری یعنی فناوری، تکنولوژی و علوم مهندسی اشاره می‌کند و از علوم انسانی برای حل مشکلات دعوت جدی به عمل نمی‌آورد.

۶) برای حل مشــکلات در حوزه عدالت، آزادی و بالابردن ســطح کارآمدی و ساخت اقتصادی قوی ما و ساخت استیتی «همراه» با اخلاق و معنویت ما نیازمند گفت‌وگوی انتقادی جدی از منظر داشته‌های خودی با علمای علوم انسانی جدید هستیم و شاید بتوان ادعا کرد که همه چالش‌های ما در گام اول نتیجه ترجیح علوم فناورانه بر علوم انسانی بوده اســت. پیشنهاد می‌کنم در گام دوم به سمت علوم انسانی برویم.

۷) خواندن و بحث درباره این نامه برای درک تجربه حکمرانی ما به شدت توصیه می‌شود.

راهبــرد

چگونگی درک ساختار بیانیه گام دوم انقلاب

دکتر عبدالله گنجی

برای فهم و تبیین چیستی و چگونگی اجرایی شدن بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری ابتدا باید آن را در تراز انقلاب نویسنده درک کرد و سپس به تحلیل و تبیین و پیدا کردن راه‌های محقق آن همت گماشت. از مهم‌ترین نیازمندی‌ها برای درک آن شناخت ساختار بیانیه است.

بیانیه معظم‌له دارای سه بخش اساسی است که برای هر بخش باید اقدام متفاوت و متناسب انجام داد، بنابراین فهم ساختار آن می‌تواند سازمان ذهنی خواننده را سامان داده و دقیق نماید.

بخش اول: خصایص، ویژگی‌ها و تمایزات انقلاب اسلامی

در این بخش با ویژگی‌های انقلاب اسلامی و تفاوت آن با سایر انقلاب‌ها آشنا می‌شویم. برای درک ارزش‌ها، ویژگی و تمایزات انقلاب اسلامی با انقلاب‌های دیگر و اشراف بر انقلاب‌های دیگر ضروری است. بدون شناخت انقلاب‌های دیگر خصوصاً انقلاب‌های بزرگی چون انقلاب روسیه، فرانسه، چین و انگلیس نمی‌توان ارزش‌ها و اصالت‌های انقلاب اسلامی را درک نمود. مقام معظم رهبری در این باره به مسئله‌ای مانند حفظ جوشش انقلابی در عین نظم سیاسی و اجتماعی و حفظ روحیه انقلابی و (تشکیل حکومت) اشاره دارند که خصلت منحصر به فردی در انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. مروت انقلابی، تجدیدنظرناپذیری، مداومت انقلاب اسلامی، خیانت نکردن به آرمان‌ها، حفظ اصالت شعارها، مردمی‌ترین انقلاب جهان از جهت حضور همه اقشار (برخلاف انقلاب‌های دیگر که خاص یک قشر است) از جمله دیگر خصایصی است که در این بخش باید تبیین گردد.

بخش دوم: چگونه جلو آمدیم و اکنون کجا ایستاده‌ایم

در این بخش به چالش‌ها و کامیابی‌ها و توطئه‌های دشــمنان و دســتاوردهای مادی و معنوی انقلاب اسلامی می‌پردازند. رشد علمی و فرهنگی، نظام‌ســازی، اقتدار ملی، قدرت منطقه‌ای و تحقق مردم‌سالاری دینی در کشور معنویت و شهادت و... از جمله این دستاوردهاست. معظم‌له به دست آوردن این دستاوردها را عین «بی‌تجربگی» می‌داند به این معنی که از جایی الگو الهام نگرفتیم. کامیابی‌ها محصول ملی و تلاش و اندیشه بومی است و هر کجا انقلابی عمل کرده‌ایم، دستاوردها نیز محقق شده است. جامعیت حرکت انقلاب اسلامی و عدم رشد تک‌بعدی از جمله مؤلفه‌های قابل درک در بخش دوم است که توأم با تلاش در عین درگیری و چالش با دشمنان در تحریم، جنگ، تجزیه‌طلبی و... بوده است. قیاس دستاوردهای ۴۰ ساله نه صرفاً در حوزه مادی توسعه بلکه در تمامی ابعاد همچون استقلال سیاسی، وحدت ملی، غرور و عزت و اقتدار ملی در این بخش مورد تأکید قرار گرفته است.

بخش سوم: به کجا می‌رویم و چگونه باید برویم

در این بخش نقشه راه تمدن‌سازی با افق بلند با محورهای شش‌گانه مورد توجه قرار گرفته است و خطاب به جوانانی است که ســکاندار همه عرصه‌های علمی، فکری و مدیریتی کشور در آینده خواهند شد. این بخش نیاز به پیداکردن راهکارهای عملیاتی دارد و چگونگی آن باید مورد توجه قرار گیرد. محورهای شش‌گانه مورد نظر در این بخش نشان می‌دهد، شرط حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی درک جامعیت این بیانیه است. اقتصاد به عنوان یک محور اساسی در کنار دیگر ابعاد مانند سبک زندگی، عزت ملی در روابط خارجی، معنویت و اخلاق، مرزبندی با دشمنان و... مورد توجه قرار گرفته است. جامعیت این خصایص و ویژگی‌ها نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی در ادامه مسیر خود بر اصول اولیه‌ای همچون اسلام سیاسی، روح اسلامی انقلابی، حفظ استقلال سیاسی و عزت ملی اصرار خواهد داشت. مرزبندی تمدنی با غرب لازمه هویت و تمدن متمایز مبتنی بر مبنای درون دینی اســت که در این بخش مورد توجه و دقت قرار گرفته است. بیانیه گام دوم در دو بخش حوزه عمومی و حاکمیت توأمان باید مورد بررسی قرار گیرد. عملیاتی شدن بخش‌هایی از آن مانند ورود جوانان به عرصه‌های مدیریتی کشور نیاز به قوانین و ضوابط حاکمیتی دارد که مجلس و دولت باید با کمک اتاق‌های فکر نظام بدان اهتمام ورزند.

دیــدگاه

گزیده‌ای از یادداشت دکتر عبدالله شهبازی

جمهوری اسلامی باید «نظام» باشد نه «رژیم»

در واژگان سیاسی، دو مفهوم «رژیم» و «نظام» متفاوت اســت. «رژیم» معمولاً به حکومتی اطلاق می‌شود که با اتکا بر قهر و غلبه می‌تواند سلطه خود را بر جامعه‌ای مستقر کند ولی به طور نســبی قادر به ایجاد پیوند طبیعی با تار و پود آن جامعه نیســت... حکومت پهلوی، بر بنیاد اســتراتژی که قدرت‌های پیروزمند در جنگ جهانی اول بــرای «خاورمیانه جدید» تعریف کردند، باید به نظم سیاســی مقتدری تبدیل می‌شــد که بدون تحمیل هزینه مالی بر غرب، با ثروت ایرانیــان، اهداف قدرت‌های بــزرگ غربــی را در منطقه محقــق کند. در سیاســت داخلی، حکومت پهلوی بــر بنیاد انگاره «استبدادگری خوب» تکوین یافت... این راهی است که پیشتر در سده هجدهم میلادی روســیه در دوران حکومت «پطر کبیر» رفته بود... محمود دوم، ســلطان عثمانی نیز مدل «اســتبدادگری خوب» را از غرب اخذ کرد و محمدعلی پاشا، حکمران مصر نیز همزمان آن را تجربه کرد... در هیچ یک از این چهار کشور «استبدادگری خوب» نتوانســت به استقرار نظمی درونی‌شــده و با ثبــات بینجامد که به عکس ســاختارها و نهادهای کارآمد پیشین را نیز که گاه بسیار کهن، ریشه‌دار، انتخابی و مردمی بودند، نابود کرد. پیامد تجربه حکومت پهلوی در ایران استقرار حکومتی اقتدارگرا و متکی بر دیوان‌سالاری حجیم و متمرکز بود که دوامش متکی بر حمایت قدرت‌های غربی بود. این دیوان‌سالاری با درآمدهای نفتی عجین شد و هیولایی پدید آورد که در واژگان سیاسی جدید «دولت رانتیر» یا «دولت نفتی» نامیده می‌شود؛ دولتی که از جامعه تغذیه نمی‌کند، به طور عمده بر درآمدهای نفتی متکی است و به این دلیل به تعبیه ســازوکارهای افزایش تولید ملی علاقه واقعی ندارد. به‌علاوه به دلیل ثروتی که از طریــق فروش ذخایــر انرژی به دست می‌آورد این امکان را دارد که طرح‌های تخیلی خود را اجرا کند بی‌آنکه به سود و زیان مادی و معنوی آن بیندیشد. بدین‌سان برای ۵۴ سال در ایران «رژیم»ی استقرار یافت که به رغم تأثیرات مهمش بر فرهنگ، سیاســت و اقتصاد هیــچ‌گاه «نظام» نشــد. در تمامی این دوران حکومت پهلــوی اندامی بود که نه کوشــید و نه توانســت با بافت جامعه ایرانی پیوند طبیعی برقرار کند و سرانجام جامعه آن را دفع کرد... رفتار سیاســی امام خمینی(ره) و حضرت آیــت‌الله خامنه‌ای در ایــن دوران ۴۰ ساله بر «نظام‌سازی» اســتوار بوده است. ایــن «حکومت جدیــد» وارث ســاختارها و نهادهای دوران پهلوی بــود و به‌طور عمده با همان نهادهــا و ســاختارها و در برخی موارد با همان نگرش‌های فکری- کارشناســی و در برخی موارد در ضدیت با نگرش‌های فکری- کارشناسی پیشین راه نو را آغاز و مکرر و مکرر تجربه کرد. بارها و بارهــا در تنگناها حداقل نزد خود و بی‌آنکه آشــکارا بیان کنیم، از عدم ورود رهبری برای حــل معضلاتی بزرگ که به‌نظرمان با دخالت مستقیم رهبری قابل حل است، شکوه کرده‌ایم. به گمانم رمز درک این رفتار رهبری را باید در ســیره نظام‌سازی دو رهبر نظام جمهوری اسلامی جست‌وجو کرد و تلاش صبورانه برای نهادینه کردن حکومتی که باید «نظام» باشد نه «رژیم».

منبع: khamenei.ir